

گزارش زندگی در



کتاب‌های تازه

○ مجتبی تبریز نیا

○ گزارش زندگی در اسپانیای اسلامی

○ تالیف: خسوس گروس

○ ترجمه: دکتر سید محمد دامادی

○ ناشر: پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات

فرهنگی، تهران، چاپ اول، خرداد ۱۳۸۱، ۱۲۸

ص، ۸۵۰ تومان، شابک ۹۶۴-۴۲۶-۱۶۶-۶

ورورد اسلام به اسپانیا:

با سقوط امپراتوری روم، در آغاز سده هشتم میلادی، پادشاهان ویزیگوت (Reino Visigodos) که از شمال اروپا آمده بودند، بر اسپانیا حکومت می‌کردند و مرکز فرماندهی آنان شهر تولد (Toledo)، در فاصله یکصد کیلومتری مادرید بود. در اواخر حکومت آنها اقتصاد کشور در وضعی نامطلوب و شرایطی وحشتناک قرار داشت، بینوایان و تهی‌دستان گرسنه بودند، خشکسالی بیداد می‌کرد، ستمکاری پادشاهان، مردم را بسیار آزرده بود و کشور از لحاظ سیاسی و اجتماعی با زوال و انقراض کامل روبه‌رو بود.

از سوی دیگر در حکومت ویزیگوت‌ها، سلطنت از پدر به فرزند نمی‌رسید، بلکه به گونه انتخاب از سوی مردم انجام می‌گرفت. از این رو خاندان‌های اشرافی و صاحبان امتیازات طبقاتی همواره بر سر کسب قدرت در نزاع و کشمکش بودند. در این میان دو تن از خاندان‌های اشراف بر سر پادشاهی با یکدیگر درگیری پیدا کردند که به جنگ داخلی انجامید و کشور فرسوده شد. یکی از گروه‌های رقیب برای پیروزی در نبرد بر گروه مقابل، از ساکنان شمال آفریقا یاری خواست. مسلمانان آنجا هم با استفاده از فرصت و ملاحظه ضعف موجود در اسپانیا، به آن سرزمین پا نهادند. این آغاز هشت قرن حکومت مسلمانان در اسپانیا بود.

در سال ۷۱۲ میلادی اعراب به فرماندهی طارق بن زیاد، با تعدادی کشتی و با هفت هزار سپاه از شمال آفریقا به جبل الطارق آمدند و از آنجا فتح اسپانیا را آغاز نمودند. دولت تازه تاسیس اسلامی در اسپانیا، قرطبه (کوردبا Cordoba) را به عنوان مرکز حکومت برگزید. با مدعیان حکومت و پیروان

ادیان دیگر با تساهل و مدارا برخورد کرد.

اندکی بعد عبدالرحمان اول - تنها بازمانده خاندان برکنار شده اموی - به کوردبا (قرطبه) رفت و خود را امیر نامید، پادشاهی مستقل اسلامی تاسیس و فرمانروایی امویان بر اندلس را آغاز کرد. در این عصر، اسپانیای اسلامی به اوج شکوفایی اقتصادی و پیشرفت علمی و معنوی دست یافت. اما در پایان سده یازدهم میلادی، با یورش مرابطون از شمال آفریقا و تصرف اندلس، ثبات و پیشرفت متوقف شد و حکومت ملوک الطوایفی در اندلس حکمفرما گردید.

المؤاخدون نیز گروه دیگری بودند که از مراکش برخاستند و در سده دوازدهم میلادی، آنها نیز مدتی بر اسپانیای اسلامی حکمرانی کردند. سرانجام توسط پادشاهی کاتولیک به نام فرناندایابل که در بخش کاتالونای اسپانیا حکمرانی داشت، اسپانیا در سده پانزدهم میلادی (۱۴۹۲ م) با برقراری حاکمیت بر گرانادا و خارج ساختن آن از دست اعراب، تمامیت و یکپارچگی را به اسپانیا بازگردانید.

معرفی کتاب:

مسلمانان طی هشت قرن حکومت خود بر اسپانیا (که آن را اندلس Al-Andalus نامیدند) با معماری اسلامی، ساختمان‌های رفیع و عالی افراشتند. گرمابه‌های عمومی ساختند و چشمه‌ها به‌وجود آوردند، به ابداع و ایجاد کارافزارهای علمی پرداختند و فنون تازه‌ای به کار بستند، با کاربرد دستگاه‌های آبیاری، کشتزارها را آباد ساختند، زندگی خانوادگی، جو و فضای حاکم بر گذرگاه‌ها و راه‌ها و شیوه‌هایی که آنان برای سرگرمی و تفریح خاطر

خود اتخاذ کردند، و نیز با ایجاد کانون‌های دیدار اجتماعی و مدنی و معنوی و رفاهی، آمیزش نژادهای گوناگون و آمیختگی فرهنگ‌های مختلف با یکدیگر را به نمایش گذاشتند، فرهنگ و معارف بسیاری را که از امپراتوری‌های روم، ایران و هند و چین برخاسته بود، بر دوش عالمانی که به کانون‌های دانش اندلس روی می‌آوردند، به این سرزمین منتقل ساختند، فلسفه یونانی را آموختند و آن را به عربی ترجمه کردند، قطب‌نما را اختراع کردند، علم حساب و سیستم یکان و دهگان و صدگان را از هندوان آموختند، تدابیر و فنون تازه‌ای برای آبیاری و کشاورزی اتخاذ کردند، کارخانه‌های کاغذسازی به وجود آوردند و خلاصه اسپانیا در فاصله قرن‌های هشتم تا پانزدهم، و به ویژه چهار قرن نخست آن کانون علم و دانش و هنر و فرهنگ و محل تجمع دانشمندان در اروپا بود.

در کتاب حاضر نویسنده تلاش کرده است تصویری کامل و همه‌جانبه و جاندار حتی با ذکر جزئیات از شیوه زندگی روزانه و فعالیت‌های گوناگون اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و سیاسی، نیز آداب و رسوم، تاسیسات، تعلیم و تربیت و سایر جنبه‌های حیات مسلمانان در اندلس طی هشت قرن حکومت مسلمانان به دست دهد.

کتاب از ۹ فصل تشکیل شده است.

فصل اول مروری است بسیار کوتاه بر چگونگی و علل ورود مسلمانان به اسپانیا، حکومت‌هایی که در آنجا توسط مسلمانان پدید آمد

اسپانیای اسلامی



اسکورپال اسپانیا

مؤلف در صفحات پایانی تعدادی از واژه‌های اسپانیایی که ریشه عربی دارند را گردآوری و همراه با معنی آنها درج نموده است.

سپس منابع نویسنده در تالیف این کتاب آمده است. آنگاه فهرستی از منابع و کتابهای اصلی برای مطالعه و تحقیق در زمینه موضوع کتاب (مسلمانان اسپانیا) ارائه شده است. آخرسر فهرست اعلام و اشخاص آمده است.

لازم به ذکر است که هرچند کتاب حاضر در عین خلاصه و کوتاه بودن، از جامعیتی خاص در موضوع موردنظر برخوردار است و به عنوان تحقیقی علمی دایره منابع و مطالعات مربوط به قلمرو اسلامی در اسپانیا به زبان فارسی را توسعه می‌بخشد و از همه جهات کتابی مفید و ارزشمند به حساب می‌آید، اما از ترجمه روان و راحتی برخوردار نیست. به نظر می‌رسد ترجمه حاضر نیاز به ویرایش مجدد دارد تا مطالعه آن با روانی بیشتری صورت گیرد.

در مورد نویسنده اسپانیایی کتاب تنها این اطلاعات در ابتدای کتاب رؤیت شد: «خوسوس گروس، نویسنده و مترجم و سخنوری تواناست که بدایع تاریخی فراوان درباره زندگانی و فضای حاکم بر گذشته اندلس نگاشته و به نگارش مقاله‌های گوناگون در مجله‌ها پرداخته است».

گفتنی است این کتاب احتمالاً برای کاربرد آموزشی و به عنوان منبع درسی، نخستین بار در سال ۱۹۸۸ در اسپانیا منتشر شده و از آن به بعد تا سال ۱۹۹۱ سه بار تجدیدچاپ شده (سال‌های ۱۹۸۹-۱۹۹۰-۱۹۹۱) و اینک ترجمه فارسی آن منتشر می‌گردد.

فصل ششم شامل معرفی جنبه‌ها و مشاغل و فعالیت‌های اقتصادی، صنایع دستی، بازرگانان و غلامان و مشتمل بر این مطالب است: کشاورزی، چارپایان اهلی، مهمانسراها در شهرها، شکوفایی روستاها با بهره‌برداری از تولیدات کشاورزی و فرآورده‌های دامداری و باغبانی، دامداران، ماهیگیران، معدنکاران، پیشه‌وران و مشاغل در شهرها، بردگان، بازار بردگان، محاسبات و مسکوکات، سطح مادی زندگی.

موضوع فصل هفتم، ساختار و اعضای دیوان و ارتش بوده که از این مطالب تشکیل شده است: سازمان اداری، کیفیت دریافت مالیات و قوانین موضوعه، کارکنان دولت، قضاوت، لشکر و سپاه، نیروی دریایی و کشتی‌های جنگی، ارتباطات و رسانه‌های جمعی.

در فصل هشتم با تفریحات سالم و اعیاد و جشن‌ها و شادمانی‌های مسلمانان اسپانیا آشنا می‌شویم که از این مطالب تشکیل شده است: جشن‌ها، باده‌نوشی و شادخواری، تفریحات مردم عادی، تفریحات طبقات ممتاز و اشرافی، موسیقی در روزگار استعراب، رقص و حرکات موزون و بازی شطرنج، باغبانی و باغ‌های خصوصی و گردشگاه‌ها و باغ‌های عمومی.

آخرین فصل کتاب درباره ویژگی‌های ساختار آموزشی و نمادهای علمی و بناها و مراکز فرهنگی در دوره اسلامی اسپانیا و شامل این مطالب است: مدارس عالی و دانشگاهها، دوره‌های آموزشی و موضوع‌های علمی، کاغذ و کتاب و نشر، فلسفه، شعر و شاعری در الاندلس تازی، عدم تسامح دینی مسلمانان، جاودانگی فرهنگی و پایان ماجرای فرهنگ مسلمانان اسپانیا.

و تأکید بر روحیه تساهل مسلمانان، به ویژه در ارتباط با ادیان مختلف به گونه‌ای که یهودیان، مسیحیان و مسلمانان به آسودگی در کنار هم به شعائر دینی خود می‌پرداختند. این تساهل خود یکی از مهمترین زمینه‌سازها برای شکوفایی تمدن اسلامی آن سرزمین فراهم ساخت.

در فصل دوم حال و هوای حاکم بر خانه و کوی و برزن توصیف می‌گردد که در آن با میزان جمعیت در شهرهای اصلی، بخشها و نواحی اطراف شهر، وضع خیابان‌ها، شکل خانه‌ها و قسمت‌های تشکیل‌دهنده آن، وسایل و اسباب منزل آشنا می‌شویم در فصل سوم که «شیوه زندگی معمولی» نام گرفته، از اوضاع و احوال زنان، نهاد خانواده، آموزش ابتدایی، خوراک و تغذیه، انجام وظایف عبادی و مذهبی، و مراسم تشییع و خاکسپاری صحبت شده است.

فصل چهارم درباره انواع لباس و عطر است که پس از اشاره‌ای به نفوذ متقابل مسیحیان و مسلمانان در این زمینه، به انواع پوشاک و کلاه و دستار قیمتی و گران‌بهاء، آرایش موی سر، زنان و جواهرات، گرمابه‌ها، طهارت و بهداشت، انواع عطر پرداخته می‌شود.

فصل پنجم به معرفی ماشین‌ها و اختراعات مسلمانان در اندلس اختصاص دارد و شامل این شاخص‌ها است: مهندسی آب و آبیاری و آبرسانی، روشهای آبیاری و آبرسانی، آسیاب‌های بادی، سردخانه‌های طبیعی، چاپ و نشر، حمل و نقل، داروها، کشف قطب‌نما، کشتیرانی و دریانوردی، گاهشماری و جغرافیا، مواد شیمیایی و کارافزارهای جنگی، شیمی دانان و سازندگان کارافزارهای ظریف آن، تکنولوژی جنگ.